

دریای چین جنوبی از دریچه ژئوپلیتیک؛ اقتصادسرآمدبررسی می کند

# افزایش پیچیدگی ژئوپلیتیکی در دریای چین جنوبی

گروه ترانزیت دریا – توحید ورستان – دریای چین جنوبی به دلیل اهمیت ژئوپلیتیکی با افزایش رقابت بین قدرت های جهانی و منطقه‌ای همراه است. برای نمونه تقریباً ۱۲ درصد از کل صید ماهی جهان را در خود جای داده و نقشی حیاتی در معیشت میلیون ها نفر در منطقه ایفا می کند. علاوه بر این، ذخایر دست نخورده نفت و گاز طبیعی آن قابل توجه است و تخمین زده می شود که حاوی حدود ۱۱ میلیارد بشکه نفت و ۱۹۰ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی باشد. این منابع به ثروت و رشد اقتصادی بالقوه کشورهای هم مرز کمک می کند.

#### افزایش پیچیدگی در دریای چین جنوبی

اهمیت استراتژیک دریای چین جنوبی به تجارت بین الملل گسترش می یابد و به عنوان یک مجرای اساسی عمل می کند که بیش از یک سوم ترافیک دریایی جهانی را ششام می شود. بنابراین یک گذرگاه حیاتی برای تجارت جهانی است که کالاهایی به ارزش سالانه بیش از ۳ تریلیون دلار را جابجا و اقتصادهای بزرگ آسیا را به بازارهای اروپا، آفریقا و آمریکا متصل می کند. در نتیجه، دریای چین جنوبی به کانون رقابت سرزمینی و قوقی دریایی تبدیل شده که نشان دهنده اهمیت آن بر اقتصادی جهانی است.

پیچیدگی های تاریخی دریای چین جنوبی ریشه در طول قرن ها دارد. قدرت های منطقه ای مختلف از جمله چین، فیلیپین، ویتنام، مالزی، برونی و تایوان برای حاکمیت بر جزایر و صخره های مختلف تلاش می کنند. این رقابت مجموعه پیچیده ای از اختلافات را ایجاد کرده که تفاسیر تاریخی، حیثیت ملی و مزایای تاکتیکی را در هم آمیخته است. در این میان، مشارکت قدرت های مهم جهانی مانند ایالات متحده ابعاد بیشتری به این موضوع چند وجهی می بخشد.

کشورهای منطقه از جمله فیلیپین، ویتنام و مالزی نگرانی هایی در مورد حفظ انسجام ارضی و دسترسی

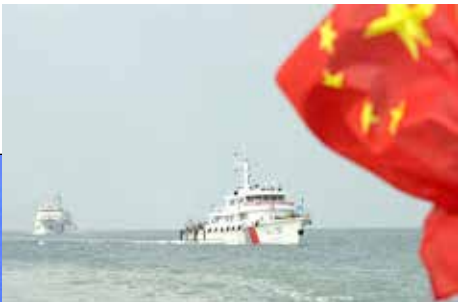
به کالاهای ضروری دارند. ایالات متحده در نقش حفظ تعادل منطقه ای، از ادعاهای برخی از کشورهای همسایه چین حمایت می کند، عملیات آزادی ناوبری (FONOPs) را اجرا و به تعهدات ذیل معاهده دفاع متقابل ۱۹۵۱ با فیلیپین پایبند است. این معاهده، پیچیدگی بیشتری را به اختلافات دریای چین جنوبی می افزاید. در مجموع، منطقه پیچیده ژئوپلیتیک دریای چین جنوبی، درهم آمیخته با تنش های تاریخی، منازعات سرزمینی و برنامه ها و منافع شرکت کنندگان منطقه ای، چشم انداز یک درگیری نظامی محدود را به یک احتمال هشدار دهنده بدل کرده است. درگیری اخیر بین چین و فیلیپین به وضوح نشان می دهد که تنش ها چگونه می تواند به سرعت تشدید شوند. برای جلوگیری از چنین درگیری، برای همه طرف ها ضروری است که گفتگوی اصولی را آغاز، اعتماد به یکدیگر را تقویت، اقدامات بازدارنده را تدوین و قوانین بین المللی را رعایت کنند.

#### موازنه در برابر تایوان

در چشم انداز ناپایدار ژئوپلیتیک شرق آسیا، دریای چین جنوبی و مشکل تایوان سناریوهای متضادی را معرفی می کنند که منعکس کننده پیچیدگی ها و پویایی قدرت منطقه ای، میراث تاریخی و منافع استراتژیک است.

مشکل تایوان که ریشه در درگیری های تاریخی و سیاسی بین چین و تایوان دارد، به عنوان یک موازنه ظریف بوده که از طریق دیپلماسی دقیق پایدار می ماند. با وجود تنش های مقطعی، هر دو طرف با درک پیامدهای فاجعه باری که جنگ بر سر تایوان می تواند به همراه داشته باشد، تمایل خود را برای حفظ وضعیت موجود نشان داده اند.

در مقابل، دریای چین جنوبی سناریوی بی ثبات تر و غیر قابل پیش بینی را ارائه می دهد. مشخصه این منطقه مناقشات چند وجهی است که چندین کشور آسیای جنوب شرقی و قدرت های خارجی مانند ایالات متحده را درگیر می کند. همپوشانی ادعاهای ارضی، منافع استراتژیک، رقابت برای منابع طبیعی، و تقویت نظامی



چین، آن را به یک محیط پیچیده و اغلب متشنج تبدیل کرده است. حادثه اخیر در ۵ اگوست بین چین و فیلیپین بر ماهیت مخاطره آمیز این اختلافات تأکید دارد که می تواند به درگیری تبدیل شود. به این پیچیدگی منافع و اتحادها، معاهداتی مانند معاهده دفاع متقابل ۱۹۵۱ با فیلیپین افزوده می شود که پویایی در دریای چین جنوبی را پیچیده تر می کند و وضعیت را در معرض تشدید تصادفی یا تحریک عمدی قرار می دهد.

ارزیابی تطبیقی دریای چین جنوبی و مشکل تایوان منافع متضاد و حوادث اخیر، سناریوی محتمل تری برای درگیری ارائه می دهد. در نتیجه، هر چند دریای چین جنوبی و تایوان نقطه عطف مهمی در ژئوپلیتیک آسیای شرقی هستند، تحلیل ها نشان می دهد که احتمال درگیری مسلحانه محدود در دریای چین جنوبی بیشتر است. این ارزیابی مستلزم سازوکارهای قوی پیشگیری از درگیری، تعامل دیپلماتیک متفکرانه و پایبندی دقیق به هنجارها و معاهدات بین المللی است.

#### دریای چین جنوبی از دریچه ژئوپلیتیک

اهمیت دریای چین جنوبی فراتر از مرزهای نزدیک آن است و بر نوسانات ژئوپلیتیکی گسترده تر تأثیر می گذارد و مظهر مجموعه ای از خواسته ها، موانع و چشم انداز است. این دریای راهبردی به عنوان میدان نبرد استراتژیک بوده و حرکات محاسبه شده قدرت های دیششرو از جمله ایالات متحده و چین را ترسیم می کند که هر کدام رویکردها و اهداف منحصر به فردی را به کار می گیرند. ایالات متحده از طریق توافقاتی مانند معاهده دفاع متقابل ۱۹۵۱ با فیلیپین و آزادی عملیات ناوبری، سیاست هایی را با هدف حفظ توازن قوا و قوانین بین المللی در منطقه دنبال کرده

است. از سوی دیگر، چین درگیر اقدامات قاطعانه، تقویت نظامی و پیگیری ادعاهای ارضی است که نشان دهنده منافع این کشور در افزایش نفوذ منطقه ای است. بازیگران منطقه ای دیگر مانند روسیه، ژاپن و هند، با منافع مشترک در دریای چین جنوبی، نیز در چشم انداز ژئوپلیتیکی چندوجهی ایفای نقش می کنند و بر پیچیدگی آن می افزایند.

جریان های ژئوپلیتیکی در حال تکامل، رویکردهای مهمی در مورد جهت گیری احتمالی اختلافات در دریای چین جنوبی ارائه می کنند. ظهور ناسیونالیسم همسویی مجدد اتحادها، نوآوری در فناوری دریای، و تغییرات در اقتصاد جهانی، همه مولفه های مهمی هستند که سرنوشت منطقه را رقم خواهند زد. در واقع، پویایی دریای چین جنوبی با نوسانات گسترده تر در قدرت و سلطه بین المللی، درهم تنیده است. با این حال، دریای چین جنوبی محدود به محل اختلاف نیست. به همان اندازه چشم انداز همکاری متقابل و رفاه جمعی را در بر می گیرد. تداوم اختلافات سرزمینی، نگرانی های زیست محیطی و دزدی دریایی چالش هایی را ایجاد می کند، اما تلاش های منطقه ای، طرح های توسعه همکاری و توافق نامه های امنیتی مشترک دارای پتانسیل تحول آفرین هستند. ظرفیت دگرگونی دریای چین جنوبی از نماد نزاع به نماد یکپارچگی و همکاری منطقه ای یک چشم انداز قابل دستیابی است.

در مجموع، دریای چین جنوبی یک چهارراه محوری در ژئوپلیتیک منطقه ای و بین المللی بوده که منعکس کننده چشم اندازی از علایق ظریف است. مسیر آینده آن شکل پذیر است که توسط انتخاب ها، استراتژی ها و مشارکت بازیگران محلی و جهانی شکل می گیرد. درک شرایط موجود و شناخت فرصت های همکاری و موفقیت جمعی برای حرکت در چشم انداز چندوجهی ژئوپلیتیک مدرن، حیاتی است. مسیرهای آینده دریای چین جنوبی نیاز به رویکردهای علاقه و تعهد کامل به آرامش و ثبات دارد.



#### درگیری اخیر بین چین و فیلیپین

به وضوح نشان می دهد که

تنش های تاریخی و منازعات

#### سرزمینی در منطقه پیچیده

ژئوپلیتیک دریای

#### چین جنوبی

چگونه می توانند

به سرعت تشدید

شوند. برای

#### جلوگیری از چنین

درگیری، برای

همه طرف ها

ضروری است که

گفتگوی اصولی

را آغاز، اعتماد به

یکدیگر را تقویت،

اقدامات بازدارنده

را تدوین و قوانین

بین المللی را

رعایت کنند.



معاون حمل و نقل وزیر راه و شهرسازی:

## ایجاد مراکز لجستیک در بنادر دریایی تأثیر مهمی بر رشد اقتصادی و توسعه مناطق ساحلی دارد

معاون حمل و نقل وزیر راه و شهرسازی ضمن تشریح نقش قابل توجه بنادر در توسعه مناطق ساحلی، از بنادر به عنوان حلقه ای از زنجیره لجستیکی کشور که باعث ایجاد ارزش افزوده می شوند، نام برد.

به گزارش اقتصادسرامد، شهریار افندی زاده با اشاره بر نقش لجستیکی مهم بنادر دریایی در زنجیره تأمین کشور، آن ها را به عنوان نقاط تقاطع بین حمل و نقل دریایی، هوایی، زمینی و محل انتقال کالاها از یک وسیله حمل و نقل به دیگری دانست و تأکید کرد: استفاده از بنادر دریایی به عنوان هاب لجستیک امکان افزایش حمل و نقل چندوجهی، افزایش سرعت و کارایی در حمل و نقل و دسترسی به بازارهای جهانی و کاهش هزینه های حمل و نقل را فراهم می کند. افندی زاده همچنین مطرح کرد: برای برخی از محصولات، اقتصادی ترین راه، حمل و نقل دریایی است. این موضوع به ویژه در مورد کالاهای فله و محموله های بسته بندی شده بزرگ که مسافت های طولانی را طی می کنند صدق می کند. حمل و نقل دریایی کالاهای نقش کلیدی در تجارت خارجی به ویژه تجارت فراره ای جهان دارد و بدون وجود حمل و نقل دریایی، واردات و صادرات کالا که پایه تجارت مدرن جهانی است، امکان پذیر نیست. معاون وزیر راه و شهرسازی بنادر را به عنوان حلقه ای از زنجیره لجستیکی کشور دانست که باعث ایجاد ارزش افزوده می شوند و در این خصوص تصریح کردند بنادر با ایجاد شبکه لجستیک کشور، از یک سیستم توزیعی انبارگرا که وظیفه اش تخلیه و بارگیری کالاهای انبار شده در محوطه های بندر است، تبدیل به یک سیستم توزیعی می شوند که محل، زمان و شیوه استفاده از هر یک از روش های حمل و نقل را به منظور بهینه سازی کل شبکه به صورت دقیق تعیین می کند. افندی زاده تأکید کرد: ایجاد مراکز لجستیک در بنادر دریایی می تواند تأثیر مهمی بر رشد اقتصادی و توسعه مناطق ساحلی داشته باشد. همچنین بهبود وضعیت لجستیکی در بنادر دریایی نیازمند توجه به زیرساخت ها، فناوری ها، فرایندها و همکاری بین دولت و بخش خصوصی است که با انجام آن ها، می توان بهبود قابل توجهی در عملکرد بنادر دریایی و رشد اقتصادی مناطق ساحلی را تجربه کرد.



یکشنبه-۱۹ شهریور ۱۴۰۲-سال هفتم-شماره ۱۷۲۰

## اقتصاد دریا

ژئوفورمولوژی مناطق ساحلی

بخش پایانی

### شیب عمومی کرانه جنوبی دریای خزر کلیات

یکی از مشخصه های مهم مناطق ساحلی، وضعیت عمومی شیب آن هاست که روند تغییرات عمق با فاصله از تر از ساحل یا صفر (CD) مشخص می سازد؛ معمولاً این تغییرات، به صورت درصد شیب گزارش می شود. درصد شیب، علاوه بر نشان دادن شرایط عمقی، خصوصیات لندفرم و پستی و بلندی بستر را نیز نشان می دهد

سواحل دماغه کهنه سفیدرود از مناطقی است که شدیداً تحت تأثیر برخورد امواج و فرسایش هیدرودینامیکی است، لذا شیب ساحل تند شده و به ۸۹/۰ درصد می رسد. از دماغه کهنه سفیدرود تا رودسر، به تدریج شیب عمومی ساحل کاسته شده و به ۲۵/۰ درصد تقلیل می یابد؛ از این منطقه تا مرز شرقی استان و رامسر، رفته رفته شیب عمومی ساحل افزایش یافته و حداکثر به ۵/۰ درصد رسیده است.

شیب عمومی منطقه ساحلی استان مازندران

شیب عمومی سواحل آستان مازندران، همچون سواحل استان گیلان بیشتر تحت تأثیر آورد رسوب رودخانه ای و عوامل هیدرودینامیکی کنترل شده است. منطقه ساحلی استان مازندران، از مرز غربی آن تا حوالی سلمان شهر، دارای شیب متوسط ۵/۰ درصد است؛ اما از آن به بعد تا دلتای رودخانه چالوس، به حداکثر شیب خود در سراسر سواحل استان مازندران می رسد. نیم رخ ساحل در منطقه چالوس، بسیار پرشیب بوده و به ۱/۱ درصد افزایش یافته است. از دلتای رودخانه چالوس به شرق و غرب، به آرامی از شیب منطقه ساحلی کاسته شده است و در منطقه محمود آباد، به ۴۵/۰ درصد کاهش می یابد. منطقه ساحلی نور تا محمودآباد، از مناطقی هستند که دارای شیب ملایمی بوده و متوسط شیب آن ها کمتر از ۵/۰ درصد است؛ این مناطق، از مناطقی به شمار می روند که شیب هیدرولیک دریایی به سمت آن ها متوجه شده است؛ لذا انتظار می رود هر گونه بالادآمدگی در تراز دریا، مسافت زیادی در خشکی پیشروی داشته باشد. مناطق ساحلی محمودآباد تا فریدونکنار، به تدریج افزایش یافته و از ۵/۰ درصد ارتقا می یابد. منطقه ساحلی فریدونکنار، در واقع نقطه عطف شیب سواحل شرقی دریای خزر و استان مازندران به شمار می رود؛ به طوری که از این منطقه به سمت شرق، با روندی حدود ۵/۰۰ درصد در کیلومتر، در عرض ساحل از شیب عمومی کاسته شده می شود. روند کاهش شیب عمومی سواحل استان مازندران، در ساحل مقابل شبه جزیره میانکاله بسیار تشدید شده است؛ به طوری که به حداقل خود و زیر ۰/۱ درصد نزول کرده است.

تجمع رسوبات متقل شده توسط رژیم غالب انتقال رسوب ساحلی، به سمت شرق در سواحل مقابل شبه جزیره میانکاله، باعث شده است خطوط تراز هیدروگرافی بسیار باز شده و شیب ساحل به شدت کاهش یابد.

#### شیب عمومی منطقه ساحلی استان گلستان

تعداد ۵۰ نیم رخ ساحلی نشان دهنده وضعیت شیب عمومی سواحل استان گلستان با بخش شرقی دریای خزر است. در این سواحل، همچون کرانه های شرقی استان مازندران، به طرف شرق از شیب عمومی کاسته شده و به تدریج درانتهای شبه جزیره میانکاله به زیر ۱/۰ درصد رسیده است. حداکثر درصد شیب سواحل استان گلستان، در پیرامون دلتای گرگانرود قرار دارد و حدود ۰۸/۰ درصد می باشد. روند کاهش شیب ساحل، از دلتای گرگان رود تا مرز شمالی ایران با ترکمنستان، با به تعبیری سواحل مقابل تالاب گمیشان ادامه پیدا کرده است. آخرین نیم رخ ساحلی، نشان از شیب عمومی ۳۵/۰ درصد دارد. شرقی ترین منطقه ساحلی دریای خزر، در واقع کم شیب ترین سواحل آن نیز محسوب می شود. در مجموع، متوسط شیب عمومی ساحلی استان گلستان ۰۵۶/۰ درصد است.

#### نتیجه گیری

شیب عمومی سواحل دریای خزر، برخلاف سواحل جنوب کشور، کمتر تحت تأثیر بر رنودهای سنگی بوده و بیشتر توسط عوامل هیدرودینامیکی و آورد رسوب از خشکی، کنترل شده است. شیب عمومی سواحل غربی دریای خزر و استان گیلان، نسبت به سواحل شرقی آن ها نسبتاً تندتر می باشد. در حالی که شیب عمومی غربی ترین این سواحل در آستانرا حدود ۳/۰ درصد است، در شرقی ترین سواحل مورد مطالعه، ۵۸/۰ درصد می یابند. از پربیشترین کرانه های جنوبی دریای خزر می توان به سواحل شرقی دلتای سفیدرود، دلتای رودخانه چالوس، دماغه کهنه سفیدرود و محمودآباد اشاره کرد. نتایج حاصله، نشان از روند ۰۵/۰ درصد در کیلومتر کاهش شیب عمومی سواحل به سمت شرق کرانه های جنوبی دریای خزر دارد. در مقابل در برخی نقاط مانند حدفاصل محمودآباد تا فریدونکنار ۱/۰ درصد بر شیب عمومی افزوده شده است. فرایند انتقال رسوب و شکل گیری سکوی ساحلی به ویژه در دلتاهای سفیدرود، رودخانه چالوس و گرگانرود علاوه بر پیشروی آشکار خشکی در دریا، ایجاد دامنه های پربشیبی در بخش انتهایی دلتا کرده است. تجمع رسوبات انتقال یافته در سواحل شرقی دریای خزر، تحت تأثیر سازوکار عمومی امواج و جریان های دریایی، سبب توسعه کم شیب ترین سواحل در این مناطق شده است. به این ترتیب، شیب عمومی ساحل تا ۲۵/۰ درصد کاهش می یابد. وضعیت شیب عمومی کرانه های جنوبی دریای خزر، آشکارا تأثیر پذیری شگرف منطقه ساحلی را از نوسانات تراز دریا و عملکرد امواج و جریان های دریایی از یک سو و آورد رسوب و تخلیه آن ها بوسیله دها رودخانه نشان می دهد. بنابراین، نوسانات دوره ای و فصلی تراز دریای خزر، باید توجه جدی تصمیم سازان و مدیران کرانه های جنوبی دریای خزر را می طلبد. مهم ترین جایگاه تصمیم سازی طرح مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی است، که در آن باید حرم خطوط ساحلی بر مبنای شیب متوسط ساحلی و نرخ متوسط نوسانات تراز دریا تعیین و اجرا گردد، تا از هدر رفت سرمایه جلوگیری شود.